

**بنیاد گرای
در کتاب مقدس**

سطح متوسط

**بنیاد گرای
در کتاب مقدس**

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Deiverbum

Catholic Biblical Federation. no.70/71, 2004

فهرست

- بنیادگرایی، چالشی پیش روی خدمت شبانی کتاب مقدسی ۵
- ۱- مشخصه های بنیادگرایی ۵
- ۲- بنیادگرایی و خدمت شبانی کتاب مقدسی ۷
- ۳- بنیادگرایی، چالشی برای اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک ۹
- تفسیر بنیادگرایان از کتاب مقدس ۱۲
- بنیادگرایی و کتاب مقدس ۱۶
- ۱- تشخیص ۱۷
- ۲- گفتگو و چالش ۲۴
- نگرش بنیادگرایی ۳۴
- ۱- مشخصه های بنیادگرایی کتاب مقدسی ۳۴
- ۲- آموزه های بنیادگرایی کتاب مقدسی ۳۵
- ۳- پاسخ به بنیادگرایان ۳۸
- ۴- دو متن برای استفاده عملی ۳۹

افزایش اصطکاک و درهم آمیختن فرهنگ ها و مذاهب به احساساتی نظیر ناامنی که تشویش و اضطراب را در زمان ما افزایش می دهد، منتج می شود. همان طور که فاصله بین فقیر و غنی و معضل ایدز باعث تشویش و نگرانی می شود. بنیادگرایی جوابی بسیار ساده و یک بعدی به این چالش ها دارد. «چنانچه خود را با این اعتقاد بخصوص و الگوی زندگی وفق دهید پیوسته در امان خواهید بود». واکنش کتاب مقدسی مسیح به بنیادگرایی باید این تشویش ها، نگرانی ها و ترس ها را جدی بگیرد.

یکی از عواقب و دست آوردهای بنیادگرایی بی حرمتی است. بنیادگرایی مسیحیت بی حرمتی را به اشکال متعدد اعمال می کند: در رابطه با کتاب مقدس، بنیادگرایی جنبه تاریخی، پیشرفت تدریجی ایمان، نیاز به ترجمه و تفسیر، روش های گوناگون تفسیری را که برای دست یابی به معنای مطالب نیاز است، را طرد نموده یا نادیده می گیرد. در مورد انسان بی حرمتی می کند یعنی بطور مؤثر بر موهبت استدلال و آزادی اراده انسان تأثیر گذارده و هرگونه روحانیت فردی که با تفکر وی مغایرت داشته باشد را نمی پذیرد و نهایتاً بی حرمتی به خدا می کند، و فراوانی و گوناگونی زندگی را که خداوند برای فرزندانش می خواهد نفی می نماید (ر.ک یو: ۱۰: ۱۰). زندگی در فراوانی و آزادی را به عنوان یک هدیه الهی قبول ندارد و ادعا دارد که افکار و مقاصد خداوند را می شناسد.

استفاده بنیادگرا از کتاب مقدس فاقد توانایی برقرار کردن ارتباط پیام جمع گرایی مسیحیت و بردباری و تحمل بین افراد بشر می باشد. پیام کتاب مقدس با هر شکل بنیادگرایی کاملاً مغایرت دارد. ایمان مسیحی و به همراه آن طریقی که ما از کتاب مقدس استفاده می کنیم روندی طبیعی و تاریخی و جمع گرایانه و محاوره ای دارد.

بنیادگرایی

چالشی پیش روی خدمت شبانی کتاب مقدسی

در دنیای امروز در مورد بنیادگرایی سخن بسیار می رود. از این واژه در معناهای مختلف و گسترده ای استفاده می شود و گاهی اوقات از روی بی فکری یا به عنوان یک فراخوانی همگانی. تعمقی که در زیر آمده بادقت بر روی بنیادگرایی مذهبی و در واقع بنیادگرایی مسیحیت تمرکز دارد. بنیادگرایی مسیحیت اغلب از کتاب مقدس بهره می گیرد. و این یک دلیل است که چرا چالشی را به ویژه برای خدمت شبانی کتاب مقدسی، و نیز برای اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک ایجاد می کند. در حقیقت این موضوع به کل اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک مربوط می گردد و به همین دلیل مرکز توجه واقع شده است. در بیانیه ششمین مجمع عمومی لبنان موضوع بنیادگرایی به عنوان مطلب اصلی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- مشخصه های بنیادگرایی

قبل از شروع صحبت درباره چالش های خاصی که توسط بنیادگرایی مذهبی برای خدمت شبانی براساس کتب مقدس و از آن طریق برای اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک ایجاد شده، مایلیم به دو مشخصه کلی بنیادگرایی اشاره کنم. در رابطه با این موضوع نمی خواهم ادعا کنم که جنبه های انسان شناسی، جامعه شناسی و روان شناختی و فرهنگی یا مذهبی این پدیده بسیار پیچیده را بطور کامل مورد بررسی قرار دهم. در ریشه هرگونه بنیادگرایی ترس وجود دارد، ترس از دست دادن، سیستم مطلق ارزش ها، تفکرات و اعتقادات. پیچیدگی روزافزون زندگی و

تفسیر کتاب مقدس که بخصوص در چند دهه اخیر توسعه یافته است، حمایت می شود.

* کتاب مقدس کتاب کلیسا می باشد. این کاتولیک حقیقی با تأسیس *Dei Verbum* (نظامنامه جزمی در مورد مکاشفه الهی) شورای واتیکان دوم، بار دیگر کشف گردید. کلیسا به عنوان عامل تفسیر در اینجا به معنای وسیع *Sen sus Fidelium* و نه تنها در معنای محدود *Magisterium* درک می شود.

* کل کتاب مقدس می باید در نور واقعه مسیح خوانده شود (قرائت نیایشی *Lectio Dvina, etc*)

* ترجمه های متون کتاب مقدس به زبان های بومی و کمک به فرهنگی کردن آن در معنایی وسیع، پیش نیازی برای خواندن و درک مفهوم متن است.

* نتایج به دست آمده از علم کتاب مقدس در خدمت شبانی کتاب مقدسی مورد استفاده قرار می گیرد.

این مشخصه های اساسی خدمت شبانی کتاب مقدسی کاتولیک «بت پرستی و کفر کتاب» را دفع و مانع می گردد (به مقاله لوسین لوگران در همین رساله رجوع کنید)، مطلق کردن حرف. چنین استفاده ای از کتاب مقدس آزادی عمل و بیان روشنفکرانه و خردمندانه یک طرفه نمی باشد، همچنین تنها توصیف نوشته ها نمی باشد. اما مطمئناً مستبدانه و ضد روشنفکری نیز نیست. نتایج تاریخی و مهم تفسیر متون مذهبی و سایر روش های تفسیر کتاب مقدس متعلق به مجموعه رسالات خدمت شبانی کتاب مقدسی می باشد. و آنها برای تفسیری که کتاب مقدس را به گونه ای جدی به عنوان شهادت ایمان بسیاری از نسل ها در حقیقت تاریخی و بنابراین به عنوان شاهدی برای رشد ایمان معرفی می کند، بسیار مفید

۲- بنیادگرایی و خدمت شبانی کتاب مقدسی

عبارت خدمت شبانی کتاب مقدسی در اینجا در قالب کلی معنای آن بکار برده شده و تحقیق و مطالعه علمی کتاب مقدس را در بر می گیرد. این اصل، بخش لازم الاجرای خدمت شبانی است که فرمان آن داده شده است (*Dei Verbum*، شماره ۲۳) یک مفسر کاتولیک باید تمام توان و انرژی خود را صرف کشف و شناسایی و در دسترس قرار دادن نوشته های الهی نماید. و این به طریقی باید انجام گردد که همه راهبان بتوانند بطور مؤثر است. خدا را از نوشته های کتاب مقدس تغذیه کنند. چنانچه خدمت شبانی کتاب مقدسی به معنای موعظه کلام خدا به عنوان خبرخوش باشد، یا به عنوان خدا در یک موقعیت منسجم زندگی باشد و یا اگر از کتاب مقدس به عنوان «آینه ای که کلیسا به خدا می نگرد» (*D.V* شماره ۷) و اگر استفاده شبانی از کتاب مقدس شامل این مطلب باشد که کسی آن را می خواند یا با آن نیایش می کند، وارد گفتگو با متون کتاب مقدس می شود، یعنی سؤالات و تجربیات فردی و سؤالات و تجربیات کتاب مقدس متقابلاً یکدیگر را تفسیر می کنند. در این صورت بنیادگرایی هیچ جایگاهی در این خدمت شبانی ندارد. با درک این معنی می توان گفت که خدمت شبانی کتاب مقدسی تجویزی عالی برعلیه وسوسه بنیادگرایی می باشد.

اجازه دهید که این خط فکری را کمی بیشتر طبقه بندی کنم و بسط دهم. ملاک اصلی که در زیر آمده است خدمت شبانی کتاب مقدسی را که شایسته داشتن این نام می باشد تشریح می کند.

* متن کتاب مقدس در مفهوم اجتماعی و شخصی خواننده و نیایش کننده خوانده می شود. متن و مفهوم متقابلاً قابل تفسیر می باشند. سؤال کلیدی باتوجه به متن کتاب مقدس این است: «این مطلب برای من و ما چه مفهومی دارد؟» خواندن و دریافتن مفهوم متن توسط شیوه های مختلف

بنیادگرایی، اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک الزام خود را برای توسعه جمع گرایی که مشخصه خط مشی کتاب مقدس است تجدید می کند. همچنین همراه با پیشرفت تفسیر معنایی کتاب مقدس، جهت حمایت آموزش کتاب مقدس برای افراد عادی و روحانی، تعهد خود را نسبت به قرائت شفاهی کتاب مقدس ایفاء می کند. اتحادیه از جمع گرایی شیوه ها و دیدگاه هایی که بطور مؤثر وظیفه نمایاندن تمامی موجودات در متون کتاب مقدس را ایفاء می کنند، حمایت می کند.

دومین مطلبی که می خواهم درباره آن با شما صحبت کنم کار سخت و مستحکمی است که به موقع توسط اعضای اتحادیه انجام شده. مشخصات اساسی خدمت شبانی کتاب مقدسی که در بالا توضیح داده شد یک توصیف کوتاه *Raison d'etre* برای دلیل موجودیت اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک نیست، بلکه وظیفه اصلی آن اطمینان بخشیدن در سطوح مختلف دیدگاه ها و اهداف مجمع واتیکان دوم، در مورد کتب مقدس به عنوان مرکز تمام زندگی کلیسایی (به عنوان سازمان شورائی تقاضاهای *Dei Verbum*) است. آنها همچنین به توصیف زمینه های مستحکم فعالیت اعضای سازمان فدراسیون اتحادیه می پردازند.

اعضای اتحادیه در زمینه های ترجمه کتاب مقدس به زبان های محلی، تهیه وسایل مورد نیاز خدمت شبانی، برگزاری رشته های آموزشی برای اشخاص عادی و روحانی، توسعه شیوه های قرائت کتاب مقدس و تفسیر آن، تحقیقات و آموزش، تبلیغ مسیحیت و فرهنگ پذیری به شکل بسیار جدی فعال می باشند. اتحادیه در انجام وظائف نشان داده و باید بطور مداوم اثبات کند و شرح دهد که با درک صحیح خدمت شبانی کتاب مقدسی در مقابل هرگونه اغواگری بنیادگری سرتسلیم فرود نخواهد آورد. و

هستند. آنها به ما کمک می کنند که به دام نوشته های بنیادگرایی که مشخصه های تاریخی و جمع گرایی کتاب مقدسی را در نظر نمی گیرد، نیافتیم (کمیسیون کتاب مقدسی اسقفی، تفسیر کتاب مقدس در کلیسا). هرچند که آنها هدف نهایی و نقطه پایانی کوشش های شبانی کتاب مقدسی نمی باشند. چنین کوشش هایی همیشه این سؤال را پیش می آورد: «معنای آن برای من چیست؟» خدمت شبانی کتاب مقدسی در دو قطب مغناطیسی قرار گرفته: از یک طرف زندگی و جامعه مستحکم مسیحی، از طرف دیگر متن کتاب مقدس. اگر در این زمینه فشار و بحران بتواند عمل کند خدمت شبانی کتاب مقدسی به صورت پادزهری قوی در مقابل بنیادگرایی کتاب مقدسی مسیحی در می آید.

۳- بنیادگرایی، چالشی برای اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک

اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک (ا.ک.م.ک) از چالشی که بنیادگرایی کتاب مقدسی مسیحی معرفی می کند، آگاه است. ولی عکس العمل آن به این چالش قومی چه می باشد؟

نگاهی به بیانیه نهایی ششمین مجمع اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک که در بالا ذکر شد اولین دیدگاه را ارائه می دهد. اولین کاری که اتحادیه باید انجام دهد این است که بر استفاده گذشته خود از کتاب مقدس به طریق خود انتقادی تعمق کند. در بیانیه نهایی، اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک خود را به قرائت کتب مقدسه در کلیسا -چه بصورت فردی و یا جمعی- به شکل خود انتقادی متعهد می داند. اتحادیه می پرسد که آیا ممکن است، در گذشته، از کتاب مقدس با تکبر و گستاخی و یا تبعیض و خشونت باتوجه به بقیه مردم استفاده شده باشد و آیا «کلام تأثیر خود را روی مفاهیم جامعه گذاشته است؟» در مورد تمایلات روز افزون

تفسیر بنیادگرایان از کتاب مقدس

در ۲۳ آوریل ۱۹۹۳ یکصدسال بعد از این که پاپ لئو سیزدهم بخشنامه (*Providentissimus Deus*) را تنظیم نمود و سپس ۵۰ سال بعد بخشنامه (*Divino afflante Spiritus*)، پاپ پیوس دوازدهم جامعه اسقفی مسیحیت کتاب مقدس سندی را تحت عنوان «تفسیر کتاب مقدس کلیسا» به چاپ رسانید که در آن نظرات مختلف درباره کتاب مقدس آمده است. استفاده بنیادگرایان از کتاب مقدس جزء موضوعاتی است که باید بطور انتقادی بررسی گردد. در پاراگراف زیر ما مقاله مربوط به این سند را نقل می‌کنیم.

تفسیر بنیادگرایان از این اصل می‌گوید که کلام خدا که الهام شده و بدون اشتباه است باید تحت اللفظی و با تمام جزئیات قرائت و تفسیر گردد. ولی منظور از «تفسیر تحت اللفظی» تفسیری ساده تحت اللفظی نیست، تفسیری که هرکوششی را برای فهم و درک کتاب مقدس که در مورد مبدأ تاریخی و تکمیل و پیشرفت آن است، مانع می‌گردد. بنابراین، مخالف استفاده از روش‌های تاریخی و مهم است و در حقیقت مخالف استفاده از سایر روش‌های علمی برای تفسیر کتاب مقدس.

منشأ تفسیر بنیادگرایان در زمان اصلاحات بوجود آمد که وفاداریشان را نسبت به تفسیر تحت اللفظی کتب مقدسه نشان می‌داد. پس از یکصدسال، روش فکری، در مذهب پروتستان به عنوان سدی در مقابل تفسیر و ترجمه روشنفکرانه قد علم کرد.

واژه واقعی بنیادگرا مستقیماً با کنگره کتاب مقدس آمریکا که در نیآگارا در نیویورک در سال ۱۸۹۵ برگزار شد، مرتبط است. در این جلسه، پروتستان‌های محافظه کار «پنج نکته بنیادگرائی» را تعریف

به هر بنیادگرایی کتاب مقدس مسیحی، پیشنهادات بهتری را ادامه می‌دهد. به علاوه کاملاً ضروری است که مردم، در کلیساها خطرات بنیادگرایی را احساس کرده و نقش خدمت شبانی کتاب مقدس را درک کنند. و این هم اکنون اتفاق افتاده است. اکنون در حال آمادگی برای برگزاری جشن چهلمین سالگرد ترویج اساسنامه شورائی *Dei Verbum* می‌باشیم که در مورد وقایع متعدد در سطوح محلی و منطقه‌ای و همچنین جهانی است. موضوع بنیادگرایی همواره در دستور کار این وقایع می‌باشد. علی‌رغم این زمینه، پاسخ به این سؤال که فدراسیون چگونه ممکن است در مقابل بنیادگرایی عکس‌العمل نشان دهد آسان است: فدراسیون باید از وظیفه خود برای ترقی و ترویج و حمایت خدمت شبانی کتاب مقدس در هر سطحی آگاه باشد. باید وفاداران و شجاعانه رسالت خود را تقویت بخشد و اطمینان حاصل کند که کلام خدا نقش صحیح و درست خود را در مرکز زندگی کلیسا دارد. که کلام کتاب مقدس بایستی کلام زندگی بخش خدا باشد.

این تعمق‌های کوتاه بر چالش‌های بنیادگرایی مذهبی برای خدمت شبانی کتاب مقدس و بدان وسیله برای کارهای انجام شده توسط اتحادیه، باعث خوشنودی از دست یافته‌های مجمع واتیکان دوم و اتحادیه نشد. هرچه این دست یافته‌ها و کارهای انجام شده پراهمیت باشند چالش‌های امروزی نیز به همان نسبت اهمیت دارد. با در نظر گرفتن این مطالب، امید من این است که این نوشته‌ها و نیز این بولتن (*Dei Verbum*) کمکی باشد برای بیداری وجدان و آگاهی خواننده‌های آن، و برای آنها شجاعت کافی در آینده به ارمغان بیاورد. تا ما از تمامی کوشش خود استفاده نموده و اطمینان حاصل کنیم که کلام کتاب مقدس کلام زندگی بخش خداست، که آرزو دارد زندگی ما کامل باشد.

توجهی به شکل کتابی و ادبی و شیوه‌هایی که انسان تفکر می‌کند و در متون کتاب مقدس یافت می‌شود، ندارند. فرم‌های ادبی که بسیاری از آنها نتیجه روندی است که در طول زمان طولانی توسعه یافته و نشان از موقعیت‌های تاریخی گوناگون دارد.

بنیادگرایی همچنین تأکیدی بی‌مورد دارد بر بی‌خطایی بعضی نکات ریز در متون کتاب مقدس، بخصوص در جایی که وقایع تاریخی با حقایق علمی سروکار دارد. بنیادگرایی اغلب مطالبی را که گزارش و یا بازگو شده تاریخی محسوب می‌کند و بدون در نظر گرفتن امکان نمادین و یا استعاره‌ای بودن معنای آن، با افعال گذشته بیان می‌کند. بنیادگرایان مسائلی را که در متن کتاب به زبان اصلی عبری یا آرامی و یا یونانی بیان شده نادیده می‌گیرند یا رد می‌کنند و معمولاً به یک ترجمه ثابت، قدیمی و یا جدید، محدود می‌شوند. به همین منوال در مورد قرائت دوباره بعضی متون که در داخل کتاب مقدس موجود است اهمال می‌ورزند.

در مورد اناجیل بنیادگرایی نه تنها بسط و توسعه انجیل را در نظر نمی‌گیرد بلکه به سادگی سطح‌نهایی این سنت (چیزی که کشیش‌ها نوشته‌اند) و آغاز (سخنان و اعمال مسیح تاریخی) را قاطعی می‌کند. بنیادگرایان یک حقیقت مهم را نادیده می‌گیرند: طریقی که اولین جوامع مسیحی خودشان تأثیر عیسی ناصری و پیغامش را درک کردند. ولی دقیقاً نکته همین جاست که ما شاهد منشأ رسولی ایمان مسیحی و بیان مستقیم آن می‌باشیم. بنیادگرایی صدای برآمده از انجیل را سوء تعبیر می‌کند.

بنیادگرایی واقعیت تحت‌اللفظی قدیمی عالم وجود را، چون در کتاب مقدس آمده است، قبول دارد. که این موضوع باعث سرد شدن هر گفتگویی با دیدی وسیع‌تر در رابطه بین فرهنگ و ایمان است. تکیه آن بر قرائت غیرانتقادی بعضی از متون کتاب مقدس است که باعث تقویت عقاید

کردند: بی‌خطایی لفظی کتب مقدسه، الوهیت مسیح، تولد او از باکره، آموزه کفارها دادن گناهان ما، و رستاخیز و قیام جسم در زمان آمدن دوباره مسیح. همانطور که شیوه‌های قرائت کتاب مقدس در سایر نقاط دنیا پراکنده شد، شیوه‌های دیگر تفسیر نیز بوجود آمد که به همان اندازه در اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی تحت‌اللفظی بود.

به پایان رسیدن قرن بیستم این نوع تفسیر بیشتر و بیشتر طرفدار پیدا می‌کند، بین گروه‌های مذهبی و فرقه‌های مختلف و همچنین بین کاتولیک‌ها.

بنیادگرایی حق دارد که در مورد الهام الهی کتاب مقدس، بی‌خطایی کلام خدا و سایر حقایق درباره کتاب مقدس که در ۵ اصل آن آمده است پافشاری نماید. ولی طریقی که این حقایق را بیان می‌کند برپایه یک ایدئولوژی است که از کتاب مقدس نیامده است. بنابراین، قبول آن مستلزم تبعیت و طرفداری تزلزل‌ناپذیری از دیدگاه‌های محکم آموزه‌ای است که معتقد است تنها منبع آموزش برای زندگی مسیحی و نجات می‌باشد، قرائتی از کتاب مقدس که تمام استدلال‌ها و هرگونه تحقیقات انتقادی را رد می‌کند. مشکل اساسی تفسیر بنیادگرایان به این شکل، خودداری کردن آنها از در نظر گرفتن مشخصه تاریخی الهام کتاب مقدس است و خود را از قبول حقیقت کامل خدا که جسم یافت، ناتوان می‌دانند. در رابطه با خدا، بنیادگرایی از نزدیکی به الوهیت و انسان می‌گریزد. بنیادگرایان به این امر که کلام خدا تحت‌الهامات الهی توسط نویسندگان بیان شده که دارای توانایی‌ها و منابع محدودی بودند، اعتقاد ندارند. به همین دلیل با متن کتاب مقدس به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی توسط روح کلمه به کلمه دیکته شده. بنیادگرایان درک نمی‌کنند که کلام خدا در شرایط بیانی مختلف و در مقاطع زمانی مختلف بوجود آمده، و هیچ

بنیادگرایی و کتاب مقدس

ایراد خطابه‌ای کلیدی یک پیشنهاد پرمخاطره است. آیا این ادعایی بی‌مورد نیست که بگوئیم رئیس صومعه‌ای در برابر حضاری لایق و شایسته که قرار است در نظریات استادانه وی سهیم باشند، کلیدهایی در دست دارد؟ به هر میزان، سد کردن آشنایی با یافته‌های تحقیقات معمولی، شیوه‌شناسی صحیحی نیست. من فکر می‌کنم که منظور و هدف این تحقیقات کمتر جاه طلبانه است. یک کلید به تنهایی می‌تواند فقط در را باز کند و به دیگران این امکان را می‌دهد که داخل شوند و اکتشافات خود را از آن محل انجام دهند. بنابراین به من اجازه دهید که افکار جدیدی را در مورد موضوعی که همه ما در مورد آن نگران هستیم، یعنی رشد بنیادگرایی در صحنه مذهبی، در طلوع هزاره سوم ارائه دهم.

برای روشن کردن دید این بازتاب نیاز به دقت بیشتری می‌باشد. بنیادگرایی یک پدیده جهانی و وابسته به مذهب است. به اشکال گوناگون ما آن را در تمام مذاهب مانند مسیحیت، اسلام، هندوئیسم، بودائیسم و حتی انکار وجود خدا می‌بینیم. هرچند که ما در اینجا با معنای اتحادیه کتاب مقدسی کاتولیک روبرو هستیم من فکر می‌کنم سؤالی که برای همه ما مطرح است چالشی است که بنیادگرایی بخصوص بنیادگرایی روحانیت مسیحی در مقابل رسالت کتاب مقدسی دارد. بنابراین گفته‌های آغازین من در مورد بنیادگرایی کتاب مقدسی مسیحی، تشخیص آن و روبرو شدن با چالش‌های آن می‌باشد.

سیاسی و دیدگاه‌های اجتماعی است که مشخصه آنها بطور مثال تعصب و نژادپرستی است، کاملاً برعکس انجیل مسیحیان. در پایان، در ضمیمه اصول «کتاب مقدسه به تنهایی» بنیادگرایی تفسیر کتاب مقدس را از سنت، که توسط روح راهنمایی شده و بطور صحیح در اتحاد با کتب مقدسه در قلب کلیسای مسیحیان است و نوشته و کتاب مقدس این کلیسا می‌باشد، جدا می‌کند (و نمی‌فهمد که عهد جدید نوشته‌های مقدس کلیسای مسیحیان است)، موجودیتی که قبل از ترکیب این متون وجود داشته است. به همین دلیل بنیادگرایی اغلب ضد کلیساست و عقیده، آموزه، آئین‌های نیایشی بخشی از سنت کلیسا و همچنین عملکرد آموزشی کلیسا را مهم نمی‌انگارد. خودش را به عنوان یک مفسر خصوصی معرفی می‌کند و اعتقاد ندارد که کلیسا براساس کتاب مقدس پایه‌گذاری شده و زندگی خود را ملهم از کتاب مقدس می‌داند.

دیدگاه‌های بنیادگرایی خطرناک است زیرا برای کسانی که به کتاب مقدس به عنوان یک پاسخ آماده به مشکلات زندگی‌شان می‌نگرند جذاب است. بجای اینکه اعلام کند که کتاب مقدس الزاماً برای هر مشکلی پاسخ فوری ندارد، مردم را با تفسیرهایی که پرهیزکارانه می‌نماید اما فریب‌کارانه است می‌فریبد. کاملاً مشخص است که بنیادگرایی در حقیقت مردم را به نوعی خودکشی روشنفکرانه دعوت می‌کند. بنیادگرایی اطمینانی دروغین به زندگی تزریق می‌نماید زیرا بطور عمد ذات الهی پیغام کتاب مقدس را با حقیقتی که محدودیت‌های انسانی دارد اشتباه می‌گیرد.

پنطیکاست - صرفنظر از کلیساهای اصلی آنها- ذکر شده است، می باشد. بنیادگرایی به صورت تجلی یک جستجو برای امنیت، امنیتی که دیگر توسط جامعه اطراف و سازمان های مذهبی به دست نمی آید، ظهور کرده است. در «مذاهب اهل کتاب»: اسلام و مسیحیت، این جستجو برای امنیت به شکل کتابی و ادبی درآمده و به تجدید وابستگی به کتاب قرآن و یا کتاب مقدس به هویت جمعی استحکام بخشیده و پاسخی مطمئن به روح های سرگردان است. جالب است که در هندوئیسم جستجو برای امنیت و تأکید هویت بر روی نمادهای مذهبی، معابد و مجسمه ها، متمرکز است. بطور مشخص ما می توانیم مسئله مهم آیودھیا (Ayodhya) را مثال بزنیم که نشانه احیاء هندوی خاصی است که بر بخش خارجی مذهب خود تأکید دارد. این توازی بین وابستگی به حرف و کتاب میان مسلمانان و مسیحیان و تکیه بر تمثیل های مذهبی در هندوئیسم کاملاً آشکار است. تحت اشکال گوناگون، نوشته های مذهبی که کتاب نامیده می شوند، یا در مورد اشیاء پرستیدنی در مذاهبی که بیشتر از نمادهای مرئی استفاده می کنند، ما دارای تقارب و تشابه عمیقی از جستجو برای حمایت قابل لمس می باشیم، در حالی که دنیای اطراف ما در حال از هم پاشیدن است.

۱-۲- کلمات و کلام

این تقارب و تشابه پوششی را که بنیادگرایی بر روی بت پرستی و کفر کشیده است به عقب می راند. زیرا بجای پویایی نیروی اشیاء که نشانه هستند، در جستجوی امنیت در اشیاء می باشند. دیدگاه امروزی نهضت آیودھیا بطور خیلی واضحی در تقابل با اصلاح نهضت هندو در قرن بیستم می باشد که سعی بر احیاء ایمان و اعتقاد معاصرین خود از داخل را داشت.

۱- تشخیص

۱-۱- تحقیق و جستجو برای امنیت

با وجودی که افکار خود را به بنیادگرایی کتاب مقدسی مسیحی محدود می کنیم، نمی توانیم آن را از معنای جهانی آن جدا سازیم. بنیادگرایی مذهبی «یک پدیده خالص معنوی» و مذهبی نیست، و ریشه عمیق اجتماعی و انسان شناسی دارد که من تحلیل آن را به کارشناسان استاد در زمینه علوم انسانی واگذار می کنم. ولی حتی یک ارزیابی علوم الهی، باید این موضوع را که بنیادگرایی تجلی یک بحران فرهنگی است، در نظر بگیرد. در معانی اجتماعی که فرهنگ سنتی و نکات رجوعی خود را گم کرده اند، بنیادگرایی تجلی احساس گم شدگی است. به همین دلیل بنیادگرایی یک پدیده شهری است زیرا در شهرهاست که بحران فرهنگی به شدت احساس می شود. اغلب این حس عدم هماهنگی و سردرگمی به شورشی ضد فرهنگی بر علیه دنیایی که به سوی خشونت غیرقابل کنترلی پیش می رود، منتج می شود. در مفهوم مسیحیت، این دید بدبینانه و خصومت آمیز به دنیا، بیانی مکاشفه آمیز می یابد. مانند پیشینیان یهودی ایشان که خود را از بقیه دنیا جدا کرده و در سواحل قمران دریای مرده حبس می کردند، امروزه اشکال تهاجم آمیز بنیادگرایی به دنبال «جنگ فرزندان نور علیه فرزندان تاریکی» می باشند.

در مقام مسیحیت این ریشه های اجتماعی - انسان شناسی ابعاد کلیسا شناختی نیز دارد. براساس یک بررسی که در سال ۱۹۹۶ توسط جنانا ویدھیا- دیپ (پیون) انجام شد و به کنفرانس اسقفی کاتولیک هند داده شد، موضوعی که براساس انگیزه های جذب مردم چه مسیحی و چه غیرمسیحی به سوی «پنطیکاست گرائی مدرن، Neo-Pentecostalism» «تجربه رفاقت» و «شناخت های غیراستبدادی»، که اغلب به عنوان «مرکزیت کتاب مقدس» و یا بیشتر به عنوان «عوامل جذب» به نهضت

او در جایی دیگر می‌گوید که کتب مقدسه تنها آخوری است که مسیح آنجا آرمیده است. بدون آخور نمی‌توان او را پیدا کرد. ولی گاه، عیسی کودک نیست. مسیحیت مذهب کتاب نیست. مسیحیت، مذهب کلام است، کلام جوهر بر روی کاغذ نیست، و همانطور که برنارد قدیس گفته «یک کلام صامت و نوشته شده اما با افعال زنده و دارای جسم». این بدان معنا نیست که کتاب جایی در اقتصاد مسیحیت ندارد. کتاب به اقتصاد مسیحیت متعلق است ولی در قلمرو «نشانه‌ها» بی‌مانند آئین‌های مذهبی، پرستش، و زندگی کلیسا. عیسی چیزی نوشت، او خود فعل بود همانطور که اگوستین قدیس گفته:

«میوه زندگی این است که ما بتوانیم به زندگی جاودان برسیم جایی که دیگر انجیل برای ما خوانده نمی‌شود، بلکه کسی که انجیل را به ما داد خودش ظاهر می‌شود، بدون اینکه صفحه‌ای ورق بخورد، یا صدای قرائت کننده یا صدای مفسر به گوش برسد».

۱-۳- کلام و روح

پولس رسول خیلی دقیق و محکم می‌گوید «حرف می‌کشد، ولی روح است که زندگی می‌بخشد» (۲-قرن ۳: ۶). این گفته سنگین است که خود تفسیرهای زیادی را می‌طلبد و حتی در مورد مشکلات ما صدق می‌کند. کتب مقدسه بدون وجود روح تنها «نامه نوشته شده با جوهر است»، خرافی پرستی شفاهی همانطور که خرافی پرستی استعاره‌ای وجود دارد. برای اینکه کلام خدا حقیقی باشد نامه نوشته شده با جوهر باید با روح زیست کند، و به این شکل دوگانه ترکیب و ادراک شود.

۱-۳. در مورد سطح ترکیب کتاب مقدس ما اعتقاد داریم که کتاب مقدس «تحت الهام روح القدس نوشته شده است» (D.V شماره ۱۱). به

در مورد اسلام من این مطلب را به کارشناسان می‌سپارم، من فکر می‌کنم که توازی بین بنیادگرایی کتاب مقدسی امروزی و تعصب هندوی معاصر، نوعی تصویر آینه‌ای است که همان تمایلات پناه گرفتن در پس مادیات اشیاء مذهبی را دارد در حالی که نیروی نمادین فشار آنها را خنثی می‌کند. که این تعریف کامل بت پرستی و کفر است. این واژه هنگامی که به طرفداری از کتاب مقدس بکار برود بیش از حد قوی بنظر می‌رسد ولی این درست همان چیزی است که کتاب مقدس به ما می‌گوید.

بت پرستی یعنی پناه بردن به اشیائی که به دست انسان ساخته شده‌اند، بجای پناه بردن به خداوند متعال. این آیا بی‌حرمتی کاتولیکی به کتب مقدسه نیست؟ در حقیقت استفاده از لغت بت پرستی متعلق به من نیست. من آن را از یک نویسنده پروتستان که وسوسه دوگانه‌ای را در ترازو قرار می‌دهد گرفتم، که در کفه کاتولیکی آن «بت پرستی کلیسا به عنوان صاحب و ارباب تمام حقایق» و در کفه پروتستان آن «بت پرستی کتب مقدسه که با کلام خداوند شناسایی می‌گردد» قرار دارند.

بنیادگرایان، کاتولیک‌ها را به خاطر داشتن تصاویر و مجسمه‌ها بت پرست و کافر می‌دانند و اعتقاد دارند که آموزش‌های کتاب مقدس را مطلق تلقی کردن بت پرستی است. آنها پرستش تصاویر را کفر می‌دانند. بنیادگرایان حقیقت ماورای علائم، انجیل ماورای انجیل، و کلام ماورای «آموزش‌ها را که با جوهر نوشته شده است» درک نمی‌کنند (۲-قرن ۳: ۳).
لوتر نظریات مشابهی را ابراز کرد:

انجیل چیزی نیست که متی، مرقس، لوقا، یوحنا... نوشته‌اند. انجیل کلام پسر خداست. انجیل چیزی نیست که در کتاب هاست و از حروف تشکیل شده، بلکه موعظه‌ای شفاهی است، یک کلام زنده، صدائی است که در سراسر کره زمین منعکس گردیده است.

مذهبی به چنین آموزش‌های پیامبران گوش فرا می‌دهند؟ سرزمین نیز موضوعی برای سوء استفاده است، بخصوص در کشمکش مصیبت بار فلسطین امروزی چنان که توسط پیروان (اسرائیل بزرگ) ادعا شده سرزمین کنعان به ابراهیم و ذریت او داده شده (پید ۱۲:۷، ۱۳:۱۵، ۳:۲۶ و ۱۳:۲۸) و در حقیقت از نهر مصر تا نهر فرات (پید ۱۵:۱۸). اما ابراهیم بایستی در مورد اهمیت این موهبت تعمق کرده باشد وقتی که، در هنگام مرگ همسرش، او حتی مالک قطعه‌ای از زمین نبود که همسرش را در آنجا به خاک بسپارد (پید ۲۳:۱-۲۰). جنگ‌های پی در پی، اشغال خارجیان و تبعیدها، بایستی ایده‌مشاب‌ای به نسل ابراهیم داده باشد. انبیای تبعیدیان به بابل به طور خاص، با نشان دادن قدرت فعال خدا، در تمام جهان، ایمان اسرائیلیان را حفظ کردند (حزق ۱، ۱۱:۱۴-۱۶؛ ار ۲۹:۴-۸)، جاهایی که «مردم فقیر و فروتن بنام خداوند پناه می‌گیرند» (صف ۳:۱۲).

یهودیان پراکنده ایمان خود را به خدا نه بر سرزمین بلکه بر تورات و حکمت متمرکز می‌کنند. نیروی اصلی اعمال رسولان شامل نشان دادن رشد کلام خدا خارج از اورشلیم و یهودیه، تا سامره و تا اقصای جهان می‌اشد (اع ۱:۸). اشعیاء نبی گفته است «شریعت و کلام خداوند باید به خارج از صهیون و اورشلیم صادر شود» (اش ۲:۳). ولی این بدان معنا نیست که اهمیت سرزمین موعود برای اسرائیلی‌ها را منکر شویم. ولی در رابطه با کتاب مقدس سرزمین موعود باید سرشار از انصاف، رحمت و فروتنی باشد (میک ۶:۸).

انتقاد پیامبرانه مشابه‌ای در تعدادی از موضوعات کتاب مقدسی دیده شده مانند جنگ مقدس، لعنت به خارجیان (ر. ک مز ۱۳۷:۸ و ۹)، عهد، شریعت، غیره. قرائت آنها خارج از مفهوم نبوتی «قانون» می‌تواند به

این الهام نباید تنها به عنوان ضمانت شفاهی الهی و موضوعی ایستا نگریست. این الهام نیرویی پویاست که در سراسر روند نگارش کتاب‌های مقدس موجود است. این دیدگاهی است که از نظر تکنیکی به آن «انتقاد قانونی» می‌گویند که پس از «انتقاد شکل» و «انتقاد تحریر» آمده است. این بدان معناست که روند پیشرفت کتب مقدسه توسط نیرویی پیامبرانه که به تکمیل، بازسازی و حتی تکامل معانی قدیم می‌پردازد انجام شده است. کتب مقدسه تنها مجموعه‌ای از متون فسیل شده نیستند، بلکه تجلی مداوم تاریخی از مکاشفه هستند که توسط روح انرژی می‌گیرند. موضوع اصلی آنها زندگی خود را دارد که توسط واقعیت پایان‌ناپذیر پیامبران زیست می‌گردد. نمونه‌ها فراوان است، بطور مثال «خطابه‌ای علیه ملل» که پیامبران اغلب با عبارت «خطابه نجات» بر آن سرپوش می‌گذارند. دو موضوع در معنای بنیادگرایی امروزی بسیار مهم است: معبد و سرزمین.

موضوع معبد بطوری گسترده در هر دو عهد پدیدار است، ساختن و استقرار معبد اورشلیم در بسیاری از فصول کتاب مقدس آمده است (خروج ۲۶-۲۷؛ ۱-پاد ۵-۹؛ ۲-توا ۱-۹؛ حزق ۴۰-۴۸؛ استر ۳-۶؛ حب ۲). مزامیر طرفداران وفادار صهیون و قربانگاه می‌باشند. (مز ۴۲، ۸۴، ۱۲۲ و غیره) ولی در عین حال پیغمبران اتکاء به معبد را جدا از ایمان و اعتقاد و عدالت مورد انتقاد قرار می‌دهند (ار ۷:۱-۲۸، ۲۶-۱:۲۴؛ میک ۳:۹-۱۲؛ حزق ۸:۱-۱۰:۲۲). آنها معبد را ساخته شده بدست انسان نمی‌دانند (اش ۶۶:۱-۴؛ مز ۵۰؛ اع ۷:۴۸-۵۱، ۱۷:۲۴-۲۹). بنابراین با تطهیر آن، معبد می‌تواند نشانه‌ای قدرتمند از تجدید حیات باشد (۱-قرن ۶:۱۹؛ ۱-پطر ۲:۴ و ۵)، جامعه (۱-قرن ۳:۱۰-۱۷؛ ۲-قرن ۶:۱۶-۱۸؛ افس ۲:۲۰-۲۲) و دنیائی (مکا ۲۱) که توسط قدرت روح از محبت و جلال الهی سرشار است. آیا تمام معابد متعصب در هر

را در سفر خود در طول تاریخ نشان می دهد. تمام این مطالب بطور خلاصه شده در کمیسیون اسقفی کتاب مقدس در مورد «الگوهای پویایی تفسیر» که در کتاب مقدس موجود است و در زندگی کلیسا ادامه دارد، یافت می شود. اضافه می شود که این «الگوی پویای تفسیر» تنها برای کتاب مقدس نیست و در مورد متون بنیادی، قرآن، وداها، تی پی تاکا و غیره نیز به کار برده می شود. سؤالی که برای خوانندگان مطرح می شود این است که آیا آنها متون خود را نمادهای ایستا و فسیل شده گذشته می دانند یا منابع مرتعش انرژی؟ آیا این متون را به عنوان نشانه های هویت محافظه کارانه و یا به عنوان منبع نور و قدرت می دانند که به خلاقیت جدید و ماجراجویی انسان عمل می کند.

۲- گفتگو و چالش

بنیادگرایی هرچه که باشد، حقیقت این است که بنیادگرایی وجود دارد و برای مردم جذابیت بسیار دارد. کافی نیست که مشکل را شناسایی کنیم باید به طریقی مثبت و در یک روح گفتگو و به عنوان یک چالش با آن روبرو شویم. در اینجا نیز ما باید بین ایدئولوژی و مردمی که از آن حمایت می کنند تشخیص دهیم. مردم اغلب بهتر از ساخته های ذهنی خود عمل می کنند. با آنها باید به عنوان انسان برخورد شود، با همدردی و یکدلی بخاطر علائق و احساس امنیت آنها. ایدئولوژی ممکن است دارای ارزش های مثبت باشد. چنان که معروف است، چیزهایی که در اینجا گفته می شود حقیقتی است که به گمراهی کشیده شده است، اما اگر به راه یکطرفه خود رفته است، اغلب به این علت است که در طرف دیگر، نادیده گرفته شده است.

من مسئله را در کاملیتش بررسی نمی کنم جنبه اجتماعی، کلیسائی

قساوت منجر گردد. در واقع یک قرائت تحت اللفظی از کتاب مقدس باید برای توجیه نژادپرستی، استعمارگری، سرمایه داری و استثمار منابع محیط زیست و غیره استفاده شود. «حرف می کشد»، تشخیص پولس قدیس بطور غم انگیزی توسط تفسیر غلط تاریخ کتاب مقدس نشان داده شده است. بدون در نظر گرفتن نیروی پویای روح، در متن، حرف کتاب مقدس می تواند کشنده باشد. مانند هر نوع کفر و بت پرستی، جستجو برای امنیت دروغین مرگ آور است.

۳-۲- هرگاه صحبت از تفسیر کتاب مقدس، *Wirkungsgeschichte*

واقع گرایی، پاسخ و عکس العمل قرائت کننده به میان می آید هر متنی می تواند متنی باز باشد. قرائت نوعی مکالمه است. قرائت توانایی های متن را در رویارویی با گوناگونی تجارت فردی و جمعی ابناء بشر روشن می کند. در یک معبد ایمان، ایمان داران به عنوان قوم نبوی خدا که توسط روح هدایت می شوند، موجودیت دارند و با مسئولیت این برخورد با روح که کتاب مقدس را الهام کرده است روبرو می شوند و «حضور روح و فعالیت آن نه تنها بر شخص بلکه بر اجتماع، تاریخ، مردم، فرهنگ ها و مذاهب تأثیر می گذارد» (*Redemptoris Missio*، شماره ۲۸). واقعیت بخشیدن به کلام خدا توسط روح انجام می شود که متن مقدس و قرائت کننده آن را ملهم می سازد. که این از طریق عطایای گوناگون نبوت با جان بخشیدن به قوم خدا، مراسم، دعاها، آئین نیایشی، خدمت مذهبی مسیحی و سرسپردگی، تحقیقات الهیاتی، اقتدار و غیره به دست می آید. معنای سنت این است. یک جسم خارجی نیست که به کتب مقدسه اضافه شده باشد و یا بارسنگین ادراک قدیمی نیست که بردوش ما قرار داشته باشد. این همان «رشد کلام» است که در کتاب اعمال رسولان (۷:۶، ۱۲:۲۴، ۱۹:۲۰) چندین بار به آن اشاره شده است. قدرت روح توان پنهان کلام

روح با علاقه غیرقابل انکار کتاب مقدسی و خلاقیتی که ما می توانیم از آن درس بگیریم کار می کند. که چند مورد آن را می توانیم در نظر بگیریم:

۲-۲- بازگشت به متن

همانطور که گفته شد، پروتستان ها کتاب مقدس را قرائت می کنند، کاتولیک ها درباره آن سخن می گویند. آنها قسمت اعظم آن را حفظ کرده اند. ما نمی توانیم یک آیه را بطور صحیح نقل کنیم. در حقیقت حفظ کردن آنها اغلب بسیار انتخابی است. آنها «قانون کلیسا را در وجود قانون کلیسا» دارند، که گاهی ضد کاتولیکی است. ولی حداقل کلام، بخشی از تجهیزات ذهنی آنها برای مواجه شدن با مسائل زندگی است. به همین دلیل هنگامی که صحبت از ترجمه کتاب مقدس به میان می آید آنها محافظه کارانه عمل می کنند. و این موضوع که آنها تمایلی به از دست دادن که برای حفظ کردن در جوانی هزینه گذارده اند ندارند، قابل درک است. اما ما برعکس، در پیچ و خم ترجمه های گوناگونی که به بازار سرازیر شده اند گم شده ایم. یک راه حل ممکن است این باشد که ما متنی خاص را به عنوان ترجمه ای برتر، به عنوان مرجع انتخاب کنیم. سپس می توانیم برای کسب اطلاعات و روشن شدن بیشتر، آن را با ترجمه های دیگر مقایسه کنیم. به هر حال آیا ما نباید مقدار مشخصی از کتاب مقدس را با تعالیم مذهبی خود ترکیب کنیم؟ این مطلب می تواند به گونه ای نتیجه بخش جایگزین سؤال ها و جواب هائی از تعالیم مذهبی قدیم ما باشد.

۲-۳- بازگشت به نیروی افسون متن

پروتستان ها کتاب مقدس را نقل می کنند، کاتولیک ها موضوعاتی انتزاعی مربوط به کتاب مقدس را استخراج می کنند. یک مثال نمونه ای از

مسئله باید بطور جدی مورد خطاب واقع شود و این مسئولیت من نیست که به شکل آماتوری آنها را در نظر بگیرم. اجازه بدهید که ما در حدود سر و کار داشتن با رسالت کتاب مقدسی بمانیم و در چند عکس العمل به چالش بنیادگرایی، با در نظر گرفتن برداشت ما نسبت به کتاب مقدس، سهیم باشیم.

۲-۱- اعتقاد به روح

ممکن است ما آموزه زیبای روح القدس را دارا باشیم ولی نمی توانیم روح القدس را در انحصار خود درآوریم. در حقیقت بسیاری از بنیادگرایان خود را «پنطیکاستی» می خوانند و خود را کاملاً "وابسته به روح می دانند. ما ممکن است که منابع ظهور روح را داشته باشیم ولی می دانیم که «روح هر جا که می خواهد می وزد» (یو:۳:۸). ما نمی توانیم صومعه ای را که روح به جانب آن وزیده انکار کنیم. در یک گفتگو، ما باید بدنبال کار روح در میان بنیادگرایان باشیم. در این ناحیه نیز، ملاقات روح با روح موضوع مهم است. روح برای اشخاص مداوماً در وابستگی آنها به کتاب مقدس و اشتیاق آنها برای یافتن آرامش و راهنمایی در کتاب مقدس، کار می کند. همچنین روح در ناراحتی و نگرانی آنها و تلاش آنها برای پیدا کردن معنا در دنیای مغشوش و اغتشاش گر کار می کند.

در سطح جمعی، روح در بحران فرهنگی و مقابله فرهنگی در پشت اشکال مختلف بنیادگرایی کمین کرده و کار می کند. کار روح در بحران چالش های فرهنگ های غالب است که اکثراً ناراحت کننده هستند، و ارزش ها و امنیت های دروغین دارند. این ممکن است روح باشد که با جایگاه کلیسایی و شبانی ما رویارو می شود، روح القدس یک آرامش است، همان روحی است که انبیای مضطرب را الهام بخشید. مسیح آرامش را به ارمغان آورد ولی آن آرامش عدالت شخصی خود او نبود.

به همین دلیل است که در هندوئیسم آموزش *rshis* به شکل *stoka* می‌آید، به شکل شعرخوانی. در عبری، فعل *gara* به معنی خواندن، صدا کردن، استغاثه کردن و گریستن است. در حقیقت یهودیان، در هنگام خواندن متون مقدس آنها را زمزمه می‌کنند و بدنشان را حرکت می‌دهند. متون مقدس یک طنین «شعرگونه» دارد که نباید تنها با خواندن با چشم و تصور ذهنی گم شود. خواندن فیزیکی به شیوه یهودیان از انتزاعی بودن متن جلوگیری می‌کند.

۲-۴- تقدیس کلام

تجلی فیزیکی و موسیقایی کلام مخصوصاً در آئین نیایشی که کلام تقدیس می‌گردد، فضای نمادین آئین مذهبی را دربر می‌گیرد و تأثیر نمادین متن کتاب مقدسی را ظاهر ساخته و آن را زنده می‌کند. در آئین مذهبی، آن چیزی که انجمن ادبی اسطوره می‌نامد، ارزش خود را به شکل نماد شعرگونه دارا می‌باشد. انجمن ادبی، زبانی که درباره «خدا در آسمان است» کسی که «زمین و آسمان را آفرید»، «تنها پسر خود را فرستاد» که «به زمین آمد» که «آن را از شر شیطان نجات دهد» و «زمان آخر باز خواهد گشت» تحلیل می‌کند و آن را مملو از اسطوره می‌یابد. ولی در آئین مذهبی، در اتحاد با توده قوم خدا و با یکدلی با کوچکترین‌ها ما از پوچی سؤالات شبه علمی می‌گریزیم و وارد دنیای نمادین جشن و تقدیس می‌شویم و با تثلیث مقدس روبرو می‌شویم که به ما نزدیک است و ما را از پستی انسانیت و از تاریکی به بالا، به ماورا می‌برد و به نور اعجاب انگیز خود هدایت می‌کند.

این تجربه شکوفایی دعا می‌باشد. متأسفانه آئین نیایش و دعا اکنون از هم گسسته شده است. شورای بعد از واتیکان (Post-vatican) باید برای تجدید آئین نیایش کوشش نماید و فضای تقدیس و جشن کلام خدا را

تمایل به تنزل دادن پیام کتاب مقدس به انتزاعی بودن را می‌توان در نوع مشخصی از وعظ کردن دید که اغلب اتفاق می‌افتد. واعظ متن مورد نظر یکشنبه را قرائت می‌کند و سپس از آن موضوعی می‌گیرد و آن را بسط می‌دهد، بدون ارجاع دوباره به متن کتاب مقدس. اگر قرائت یکشنبه درباره «پسر ولخرج» است، ما تصمیم می‌گیریم که موضوع امروز انجیل عشق پدری خداست و یا در مورد آشتی و مصالحه است که وارد موضوع انتخاب شده است. و بدتر از این نوع موعظه «شبه موعظه» است که به عنوان مقدمه برای آئین نیایشی و هنگامی که هنوز موضوع انجیل اعلام نشده، تحت عنوان چند جمله انتزاعی که اغلب شکل غیرشخصی و سخنرانی غیرمستقیم دارد، عرضه می‌شود. در انجیل امروز مسیح می‌گوید ... و یا مسیح درباره ... صحبت می‌کند. مسیح داستان گوی بزرگ وادار می‌شود که با لحنی ملال آور و اخلاقیات ضعیف یا اعترافات بی روح سخن بگوید. اگر علاوه بر اینها ما خاطره و حافظه را توسط نقل فصل و آیه به نمایش در آوریم، قدرت کلام را تا حد درس انتزاعی جبر تنزل می‌دهیم. کلمات نیرویی افسون کننده دارند، بخصوص کلمات انبیاء که الهام شده اند و کلمات کلام خدا. من طرفدار نیروی افسون گر کتاب مقدس نیستم که ما را به کفر و بت پرستی کتاب برگرداند. من تنها دیدگاه‌های امروزی تحقیقی کتاب مقدس را در مورد برداشت علم معانی کتب مقدسه یادآوری می‌کنم. تشخیص بین «فرم و محتوی» مصنوعی است. اغلب فرم همان محتوی است، همچنان که در اشعار و موسیقی می‌بینیم. صفحه ای از کتاب عاموس را نمی‌توان به جمله «خدا ما را علیه بی عدالتی هشدار می‌دهد» تنزل داد، یک مزمور تنها «تمجید و ستایش قدرت خدا» نیست؛ مثل های عیسی به تصویر کشیدن یک موضوع نیست که ممکن است «محبت خدا» باشد؛ زبان موثق، نیرویی خلاق و برانگیزنده دارد. هایدگر می‌گوید که «زبان خانه بودن است». از دیدگاه مسیحیت، کلام خانه روح است.

جالب است که بدانیم این نگرش، توازنی در علم بدیع معانی تفسیر غربی در شکل‌های گوناگون کتاب مقدس به عنوان ادبیات، که برگشتی به خود متن است، و به پویایی کلام سازمان می‌دهد، ایجاد می‌کند. ما امیدواریم که نسل جدید دانش پژوهان آسیایی کتاب مقدس به طریقی آموزش ببینند که در سبک ادیبانه غربی و آشنا با سنت تفسیر و تعبیرهای بودائیست و هندو قادر باشند راهی را که تأثیر آسیایی تفسیر متن کتاب مقدس را نشان می‌دهد، بیابند. که این مستلزم انجام کاری سخت می‌باشد. همانطور که فیلسوفی هندی در یکی از مقالاتش اشاره می‌کند «زمان آن مطمئناً فرا رسیده که این وظیفه را انجام دهیم».

این تعبیر تفسیری آیه‌های کتاب مقدس باید بر روی آموزش کتاب مقدس در همه سطوح از دوره‌های کتاب مقدس برای مردم عادی تا سمینارهای آموزشی و برنامه‌های تحصیلات عالی تأثیر داشته باشد. و ما باید سهمی را که به «دوره‌های مقدماتی عمومی» و آغاز قرائت متون کتاب مقدس اختصاص داده ایم به ترتیب دوباره در نظر بگیریم. هدف این است که شاگردان را در ارتباط با متون کتاب مقدس قرار دهیم، بدون در نظر گرفتن علم الهیات بطور انتزاعی و تحت اللفظی.

۲-۶- بازگرداندن کتاب مقدس به قوم خدا

چالشی که بنیادگرایان مسیحی در آن موفق بوده‌اند این است که کتاب مقدس را به مردمی که تعلق دارد، به قوم خدا، بازگردانیده‌اند. این مطلب، عوام فریبی مردم عادی نیست و بدان معنی نیز نیست که دریچه‌ای مجانی به هرج و مرج و تعبیرات خیالی گشوده شده. «قوم خدا» یک حقیقت است. چنانکه پولس قدیس توصیف کرده، روح عطیه‌های الهی گوناگون و *diakonia* را الهام کرده که باید در همبستگی یک جسم به هم مربوط باشند (۱. قرن ۱۲: ۴-۱۳).

برقرار کند. ما هنوز قربانیان قرن‌ها آئین نیایش هستیم که غیرقابل دسترس و خالی مانده‌اند. حداقل، سرودهای برگردان قدیمی و جوابهایشان می‌توانند نقش مانترا و سلوکا را در مسیحیت ایفا کنند. ما احساساتی به هم آمیخته نسبت به آنها داریم. آنها کتاب مقدس و موسیقی را به هم ربط داده‌اند و فضایی نمادین گوتیکی را بوجود آورده‌اند. ولی آنها به زبان رمزی لاتین بودند و اغلب ترکیبی با روحیه مذهبی مشکوک (*dies irae libera me!*). باید آنها را با سرودهای برگردان جدید جایگزین کرد، سلوکای جدید مسیحیت. بعضی از bhajan‌های هندی به ایفای این نقش را شروع کرده‌اند.

۲-۵- وظیفه تفسیری

در این نوشته، جایی برای ادعای روش انتقادی تاریخی نیست. زیرا کوچکترین توجهات به متن، محدودیت‌های جدی دارد. خلاصه بگوییم، بیشتر درباره کتاب مقدس است. «روش‌های جدید» سعی می‌کنند که این محدودیت‌ها را جبران نمایند ولی تفکیک بین تفسیر و علم تفسیر دوگانگی اساسی در نگرش به متن را فاش ساخته است.

روش هندی *dhvani*، که روشی سنتی در ترجمه متون مقدس هندی می‌باشد، ترکیبی بیشتر یکنواخت دارد، با کاربرد «طنین» که برگشت نیروی مداوم متن است، که بدون توقف از ترکیب اصوات تا به دستور زبان و به زبان شناسی، و از علم بدیع معانی به ماهیت ارتباط و زبان، و سرانجام از آنجا به ماهیت توصیف ناپذیر *atma* یا *purusa* حرکت می‌کند. *Bhartrhari*، فیلسوف هندی (قرن هفتم) می‌گوید: برهنه، اصل کلام بدون آغاز و بی‌انتهایی است که نابودشدنی نیست و از همین اصل دنیای پرمعنی اشیاء به عنوان خلاقیتی باشکوه ظهور می‌کند. به نظر من تئوری *dhvani*، با این پیش فرض که کل دنیا غیرقابل بیان است، توصیف می‌شود.

بین طرق مختلف گوش دادن به کلام خدا می باشد. بنیادگرایان سعی دارند که از *diakonia* رهبری و حکمت و علم چشم پوشی کنند که توسط پولس قدیس نوشته شده (۱. قرن ۱۲: ۸). آنها به ما یادآوری می کنند که شاید ما چشمان خود را به سایر هدایای روح که آنها را به هرکس اراده کند می بخشد بسته ایم (۱. قرن ۱۲: ۱۱).

۲-۷- به دنیا

سرانجام، از کلیسا به دنیا. طبق پیشگویی که چند شخصیت مهم کرده اند، اعلام شده است که «هزاره سوم بطور والائی مذهبی خواهد بود». تحقق این پیشگویی شروع شده اما نه به طریقی که انتظار می رفت. «هزاره مذهبی» مذهبی بودن هزاره با فاجعه ۱۱ سپتامبر، مشکلات قومی مذهبی بین آسیای غربی از افغانستان تا اسرائیل، گرفتاری های مذهبی در آسیای جنوبی از پاکستان تا هند و اندونزی شروع شده است. آسیا باردیگر به شکل «مادر همه مذاهب» درآمد ولی نه به شکلی ایده آل برای ما.

در این مفهوم، بیان موقعیت ما مهم است. زمانی بود در روزهای جنگ سرد که نوعی اتحاد مقدس بین مذاهب و مردم مذهبی علیه «یورش» کفر، مادی گرایی، سیستم سیاسی غیرکلیسائی، و غیره وجود داشت تمت امروزه دیگر این موقعیت در مورد آموزش های کتاب مقدس صدق نمی کند و انبیائی مانند عاموس و اشعیا نبی به ما یادآوری می کنند که مذاهب حتی «مذاهب حقیقی» می توانند بت پرستی باشند (عا ۴: ۴-۵، ۵: ۲۱-۲۷؛ اش ۱: ۱۰-۱۷؛ مز ۵۰) اگر آئین دینی آنها نسبت به ملزومات الهی «انصاف را بجا آورید، رحمت را دوست بدارید و در حضور خدای خود با فروتنی سلوک نمائید» (میک ۶: ۸) بی اعتنا باشند. این نگرش، فرقه گرایی و کوتاه بینانه است که جنگی از نوع مکاشفه یوحنا برعلیه دنیای دیوسان و شیطنانی برپاکنند. «انجیل ها» ما را دعوت می کنند که

این گوناگونی و همبستگی متقابل به شکل وابستگی اضلاع یک کثیرالاضلاع است که بستگی به ارتباط متقابل دوجانبه قوی از تمام اضلاع دارد. این اضلاع معرف هدایای گوناگون و اشکال *diakonia* می باشند که جسم را می سازند. دعا، نبوت، خدمت، رهبری اعمال توسعه و آزادی بخش، عقل، تعمق، دانش و آگاهی (که مهارت های تفسیری از آنجا سرچشمه می گیرد) و غیره در مرکز کثیرالاضلاع کلام خدا جای دارند.

کل حقایق و دنیا را روح در برگرفته و در آن نفوذ کرده است. هربخشی از کل، در ارتباط با یک *koinonia* با دیگران می باشد. بطور مثال خدمت رهبری در *magisterium* عطایای الهی دانش استادی باید یکدیگر را شناسایی کنند. هر دو *magisterium* استادی باید در مسئولیت ما سهیم بوده و با هم ارتباط داشته باشند و نیازها و برانگیزی ها و دیدگاه های سایر شکل های *diakonia* را به هم ربط دهند. استادان و اندیشمندان کتاب مقدس نیز به نوبه خود باید مسئولیت خود را در مورد ارتباط نتیجه تحقیقات خود از طریق اطلاعات طبقه بندی شده کتاب مقدس به ایمانداران، بخاطر داشته باشند. متقابلاً دانشمند کتاب مقدس باید از سؤالات کتاب مقدس، چه مجازی و چه صریح، که تحت شرایط فرهنگ مذهبی و دنیوی از دنیای احاطه شده دریافت شده است آگاه باشند. پاپ پل ششم در یک سخنرانی خطاب به کمیسیون کتاب مقدسی، مفسران را به تحقیق ماورای مطالب و «متن کاملاً ابتدائی» آن تشویق کرده و اضافه می کند که بخاطر داشته باشند که کلیسا جامعه زنده ای است که پیام کتب مقدسه را برای انسان امروزی به واقعیت درآورده است.

من فکر می کنم که نقش اتحادیه ما شامل تسهیل این تبادل بین اشکال مختلف گوش سپردن به کلام خدا می باشد. چالش بنیادگرایان کتاب مقدسی شامل فعال نمودن مجدد این مبادله، بازکردن کانال های ارتباطی

نگرش بنیادگرایی

۱- مشخصه های بنیادگرایی کتاب مقدسی

طرفداران بنیادگرایی کتاب مقدسی تأکید دارند که کتاب مقدس کلام خداست که بدون خطاست و باید بطور تحت اللفظی و با تمام جزئیات تعبیر و تفسیر گردد. بطور کلی ما نگرش بنیادگرایانه با کتاب مقدس را هنگامی نشان می دهیم که:

- هنگامی که می گوئیم کتاب مقدس کلام خداست منظور ما این است که صدای خدا تنها صدائی است که ما هنگام قرائت کتاب مقدس می شنویم. ما نویسنده انسان را که تنها چیزهائی را که دیکته می شود نوشته است کم ارزش می کنیم. ما اشاره می کنیم به این که نویسندگان دارای نبوغ و محدودیت هستند. علائق شخصی مهم نیست. این واقعیت دارد که کاتولیک ها خدا را نویسنده اولیه متون می دانند ولی آنها سهم نویسنده دوم که انسان است را نادیده نمی گیرند. این نویسنده ها که توسط خدا به کار گماشته شدند. از نیروها و توانائی های خود بهره بردند (D.V شماره ۱۱).

- ما بدون داشتن صلاحیت می گوئیم که هر چیزی که در کتاب مقدس است در معنای تاریخی و علمی آن حقیقت است. علاوه بر این انواع دیگر حقیقت نیز وجود دارند. ما ترجیح می دهیم که با شورای واتیکان دوم بگوئیم کتاب های کتب مقدسه بایستی به عنوان آموزش های محکم، وفادارانه و بدون غلط در نظر گرفته شوند، حقیقتی که خداوند بخاطر نجات ما در نوشته های مقدس قرار داد (D.V شماره ۱۱). ما نباید بدنبال حقایق تاریخی و علمی کتاب مقدس باشیم زیرا نویسندگان آن در مقام و موقعیتی نبودند که این جنبه ها را به آن بدهند و تمایلی نیز به این کار نداشتند.

نظری به «مزارع آماده درو» داشته باشیم (یو ۴:۳۵؛ مت ۹:۳۷). جمع آوری محصول، که توسط روح آماده شده، در سراسر دنیا بین همه مردم فراتر از همه مذاهب و سیستم های غیر مذهبی و به همراه ثمرات روح، یعنی محبت، خوشی، سلامتی، صبر، مهربانی... (غلا ۵:۲۲؛ ر. ک ۶:۸-۱۰) شروع شده است. این دیدگاه عیسی است که ایمان زن کنعانی و افسر رومی را تحسین می کند. این استراتژی مژده انجیل است در مورد محبت و نه خشونت، اطمینان و نه تشویش ترسناک، صلح و نه جنگ. این اساس روح گفتگو است. ظهور ضعف و یا استعفای مصلحه نیست که بنیادگرایان به آن شک داشتند. همچنین تاکتیک موزیانه همگراشدن با گفته سایر فرقه گرایان در طرف مخالف نیست. خیلی ساده، این روح انجیل است، روح محبت، چنانکه پولس قدیس توصیف کرده «صبور و مهربان... نه متکبر و خشن». در طریق خود اصرار نمی ورزد، به خاطر اشتباهات شادی نمی کند بلکه با چیزهای صحیح به وجد می آید. این استراتژی همه چیز را تحمل می کند، همه چیز را باور دارد، به همه چیز امیدوار است و همه چیز را داراست (۱ قرن ۱۳: ۴-۷).

اگر ضعفی هست ضعف محبت است، ضعف خدا که از قدرت و خشم هرانسانی قوی تر است (۱- قرن ۱: ۲۵). نیروی والائی که توسط «مژده انجیل» در جهان پخش شده است، نیروئی که هیچ چیز نمی تواند آن را شکست بدهد و از ما پیروزمندانی می سازد، «ما را پیروز می گرداند از طریق او که ما را محبت نمود» (روم ۸: ۳۷).

«کلمه جسم گردید و در بین ما ساکن شد» (یو ۱: ۱۴): این سرچشمه و هدف رسالت کتاب مقدسی است. «خداوند جهان را محبت نمود» (یو ۳: ۱۶): این جوابی است به هر فرقه گرایی و کوتاه بینی بنیادگرایی.

آنچه در انجیل مرقس ۱۳: ۳۲ آمده و می گوید که روز و ساعت پایان دنیا را فقط پدر می داند، نادیده می گیرند.

۲-۲- ضد کمونیسم و ضد اسلام

قبل از پایان جنگ سرد، نیروهای شیطان با عقاید کمونیسم شناسایی شدند. زمینه های کتاب مقدسی برای این موضوع از طریق شناخت روسیه با مأجوج در حزقیال ۳۸-۳۹ پدیدار گشت. جانور مکاشفه باب ۱۳ دارای پاهای یک خرس است و خرس نماد سنتی روسیه است. با پایان گرفتن جنگ سرد دشمن جدیدی در صفحات کتاب مقدس یافت گردید، به نام اسلام. برعکس دیدگاه کاتولیک نسبت به اسلام، که در اعلامیه شورای واتیکان دوم در مورد مذاهب غیرمسیحی شرح داده شده، کلیسا با دیدی احترام آمیز به اسلام و مسلمانان نمی نگرد...

آنها یک خدا را می پرستند، آنها به مسیح به عنوان یک پیامبر احترام می گذارند و حضرت مریم را محترم می دانند (Nostra Aetate، شماره ۳). بنیادگرایان درباره مسلمانان به عنوان «تحت کنترل شیطان» یا در «اسارت شیطان» صحبت می کنند.

۲-۳- سلامتی و ثروت

این مطالب به عنوان حقی برای هر ایماندار موعظه می شوند. هرچه باشد مسیح دردهای ما را بر خویش حمل نمود (اش ۵۳: ۴-۵) و اگر ما مریض هستیم به این علت است که ایمان کافی نداریم. «آنچه در دعا می طلبید یقین بدانید که آن را یافته اید و به شما عطا خواهد شد» (مر ۱: ۲۳-۲۴) و برطبق (مر ۱۰: ۳۰) «وکسی نیست که صد برابر به او بازپرداخت نگردد... در این زمان...». حمایت قاطع از چنین آموزه ای بدین معنی است که ما نباید هیچ گامی برای مراقبت از سلامتی،

- ما می گوئیم «کتاب مقدس می گوید...»، به عنوان یک مقام قدرتمند و کافی برای موقعیتی که بحث می کنیم. با گفتن این مطلب ما کتاب مقدس را یک کتاب می دانیم با اقتدار مساوی در کتب مختلف آن و این پیش فرضیه را داریم که در کتاب مقدس از رشد مکاشفه و یا اخلاقیات خبری نیست. ما فراموش می کنیم که این کتاب ها همچنین شامل بعضی چیزهای ناقص و موقتی هستند (D.V شماره ۱۵). ما باید ترجیحاً بگوئیم «ما در کتاب پیدایش می خوانیم» و یا «در انجیل متی می خوانیم» و یا در هر کتاب خاص که از آن نقل می کنیم.

۲- آموزه های بنیادگرایی

در سال ۱۸۹۵ کنگره آمریکایی کتاب مقدس ۵ نکته بنیادگرایی را تعریف کرد. (الهام شفاهی کتب مقدسه، الوهیت مسیح، تولد او از باکره، آموزه کفار گناهان، و رستاخیز جسم در زمان آمدن دوباره مسیح). امروزه شناسایی سایر نکاتی که در آموزش های فرقه ها و انجیل نویسان بنیادگرا انجام می شود، مفید است.

۲-۱- نزدیکی آخر دنیا

در مسیحیت همیشه نهضت هائی بوده اند که پایان دنیا را پیشگویی کرده اند. علی رغم این واقعیت که در گذشته همواره در این مورد اشتباه کرده اند پیغام آنها ادامه دارد. آنها متون زیادی را از کتاب حزقیال، دانیال و مکاشفه نقل می کنند. آنها ماهیت نبوت کتاب مقدسی را که علاقه به بیان این مطلب دارد که: خدا در مورد حال چگونه فکر می کند تا اینکه خدا درباره آینده چه پیشگویی می کند، به راستی فهمیده اند، و معنی ادبیات مکاشفه ای که نوشته شده تا بجای پیشگویی آخر زمان، دلگرمی باشد برای بحران امروزه را درک نکرده و عبارت واضح و روشنی مانند

مطمئناً برداشت مسیحیت از قدرت های برتر شهری باید مثبت باشد. ولی مواقعی نیز مسیحیان باید همراه با پطرس بگویند «اطاعت از خدا پیش از اطاعت از انسان است» (اع ۵: ۲۹).

هنگامی که حقوق انسان پایمال می گردد و موانعی بر سر راه مذهب قرار می گیرد، سخنان ایلیا به اخاب پادشاه در (۱-پاد ۲۱: ۱۸-۲۹) و سخنان عاموس در مقابل قدرت حاکمه در (عا ۳: ۹-۱۱، ۷: ۱۰-۱۷) باید بخاطر آورده شود.

چنین برداشت هایی در آموزش اجتماعی کاتولیک مدرن وضع معکوسی به خود می گیرد. مسیحیان مسئولیت دارند که از دنیایی که خدای خالق، با اطمینان به آنها داده مراقبت کنند. دیدگاه ما نسبت به مذاهب دیگر باید بصورت گفتگو باشد نه بصورت رو در رو ایستادن. ما باید به هموعان خود برای رسیدن به سلامتی کمک کنیم و آماده باشیم که ثروت خود را با آنها تقسیم نماییم. باید در زندگی اجتماعی شرکت کنیم و به قدرت های حاکم ارزش های قلمرو خدا را یادآوری نمائیم.

۳- پاسخ به بنیادگرایان

بسیار مشکل است که با بنیادگرایان بخاطر پیش فرض هائی که آنها انجام می دهند بحث کرد. بطور مثال آنها ادعا می کنند که چون کتاب مقدس کلام خداست سعی در به کار بردن شیوه های انسانی برای مطالعه آن منجر به توهین به مقدسات می شود.

آنها نیاز دارند که به خاطر علاقه اشان برای حفظ کلید آموزه مسیحیت، ستوده شوند ولی می کوشند که آموزه کتاب مقدس را به گونه ای عمل کنند که با فهم دنیایی کتاب مقدس مغایر باشد.

با خودداری از قبول عنصر انسانی در آموزه کتب کتاب مقدس، آنها

تضمین سلامت کودکان با واکسیناسیون، سیستم فاضلاب درست، و آب پاکیزه بر داریم، و ما برای فقرا کاری انجام ندهیم زیرا این تقصیر خود آنان است که ایمان کافی نداشته اند.

۲-۴- دیدگاه ما نسبت به دنیا

در ۱-یو ۱۵: ۲، نوشته شده است «شما نباید این دنیای گذرا را دوست داشته باشید». از متونی مشابه، در یک دوره مکاتبه ای مسیحیت در آفریقا تعلیم داده می شد: «دنیای شیطان شامل تجارت، سیاست، مذهب، آموزش، تفریحات و سرگرمی ها، پادشاهی های جهان، سازمان ها دنیا، و چیزهایی از این قبیل می باشد». بنابراین ورود به دنیای مشاغل و سیاست یعنی وارد شدن به قلمرو شیطان. سخنان مسیح در متی ۲۵: ۳۱ که ما را به کمک به گرسنگان، تشنگان، غریبان، برهنگان، بیماران، و زندانیان فرا می خواند نادیده گرفته شده است. متن دیگری از یوحنا «خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد» (یو ۳: ۱۶) نیز نادیده گرفته شده است.

تعلیمات کاتولیک در بیانیه شورای واتیکان دوم می گوید «شادی ها، امیدها و غم ها و تشویش های مردم امروز بخصوص کسانی که فقیر و رنجور هستند، شادی ها، امیدها و غم ها و تشویش های شاگردان مسیح می باشد» (Gaudium et spes، شماره ۱).

۲-۵- اطاعت از قدرت مطلق

پولس رسول در رساله به رومیان ۱: ۱۳ نوشته است «شما همگی باید مطیع قدرت های برتر باشید». این آیه اغلب بصورت غیر انتقادی و خارج از معنی نقل می شود. به این منظور که اطاعت غیرانتقادی نسبت به قدرت انسانی را پایمال کند. این آیه مورد علاقه برده داران در آمریکا بود.

داستانی است آشنا در بابل ۶۰۰ سال قبل از مسیح. نویسندگان واعظین اسرائیلی بودند که در زمان تبعید قوم اسرائیل در بابل می زیستند. آنها این مطلب را نه بخاطر آموزش علمی حقیقت بلکه برای اطمینان دادن به شنوندگان نوشتند که با اسطوره های خلقت بابلی ها برای دریافت حقایق مذهبی که حیاتی می باشند، آشنایی داشتند.

* آنها درباره نیکویی و خوبی یک خدا نوشتند: دنیا بطور تصادفی ایجاد نشده بلکه توسط خدای خیرخواه و بخشنده خلق گردید.

* درباره وقار و مقام انسانیت: دنیا برای آمدن خود توسط پادشاهی نیکو و خردمند آماده بود. فقط هنگامی که خلقت آماده رسیدن به آن بود، مرد خلق گردید و زن در وقار و مقام او سهیم شد. و سپس به این انسان ها مسئولیت این دنیا داده شد.

* شیطان منشأ خود را در خداوند ندارد بلکه در آزادی انسان و انتخاب او.

۴-۲- دانیال ۷- نمونه ای از ادبیات مکاشفه ای

بنیادگرایان جزئیات این فصل را به عنوان حقایق تاریخی و تحت اللفظی می نگرند، و حتی در دنیای امروزه به جستجوی تحقق بخشیدن به آنها هستند. زیرا زمان توصیف شده، زمان تبعید بابلی ها بود (قرن ششم پیش از میلاد مسیح)، و این طور فرض می شود که کتاب در آن زمان نوشته شده باشد. اما دانشمندان کاتولیک به همراه سایر کلیساها شکل ادبی مکاشفه ها را ادبیاتی مهم تلقی می کنند که خوانندگان را مطمئن می سازد که خداوند هنوز وقایع را کنترل می کند و در طرح های خود حساب شیطان را می رسد. نمادهای این ادبیات شامل حیوانات، وقایع آسمانی و دوره های عجیب زمانی می باشد. نویسنده گمنام آن برای زمان

موفق نمی شوند که در مورد آموزه تناسخ، که در آن الهی با انسانی در ارتباط هستند، با انصاف داوری کنند. خدا واقعاً در یک مقطع خاص زمانی و مکانی انسان شد، و در کلامش نیز از وسایل انسانی استفاده کرد. کتاب مقدس در بسیاری از جاها به ما درباره حمایت و راهنمایی روح القدس، که مسیح به پیروان خود وعده داد، تعلیم می دهد (یو ۱۶:۳؛ اع ۱:۸؛ روم ۸:۹). سپاس روح القدس را که یک سنت اصلی شکل گرفت که به ما کمک می کند که کلام کتب مقدسه را درک کنیم و بکار ببریم. این درک بیان خود را در اعلامیه ها و شوراها ما که بنیادگرایان به آن توجه ندارند، می یابد. بنیادگرایان اهمیتی به نقش کلیسا یا جامعه نمی دهند و در عوض تأکید زیاد خود را بر نجات شخص می گذارند. آنها این حقیقت را که کلیسای مسیحیان بود که عهد جدید را بوجود آورد و نوشته های عهد قدیم را اقتباس کرد، نادیده می گیرند. اناجیل از جوامع خاص مسیحیان ظهور کرد نه برعکس.

بنیادگرایان همانطور که در دانش های انسانی رشد می کنند و در تعلیم و تربیت پیشرفت می کنند، دیریا زود متوجه ناقص بودن نگرش خود می شوند. ولی آنها چون مسیحیت خود را به این شکل درک کرده و شناخته اند، در خطر دور شدن از مسیحیت می باشند.

۴- دو متن برای استفاده عملی

۴-۱- پیدایش ۱: اولین گزارش خلقت

بنیادگرایان موضوع آغاز دنیا را به عنوان حقیقتی تحت اللفظی می گیرند و اعتقاد دارند که موسی خودش آن را نوشته است، هرچند که مشکل است که آن را با یافته های علمی تطبیق دهیم. اما علمای کاتولیک و سایر کلیساهای اصلی، اعتقاد ندارند که گزارش حقیقی باشد، ولی بازگویی

خودش آن را نوشته، در بحرانی که اسرائیل تحمل کرد، در زمان پادشاهی آنتیوخوس ایپفانوس چهارم (۱۶۵ قبل از میلاد مسیح).
 در مقاله ای درباره تاریخ گذشته اسرائیل، در مورد جانوران عجیب می خوانیم: شیر با بال های عقاب نشانه ای برای امپراتوری بابل است، خرس نماد مادها، پلنگ نماد امپراتوری پارس، و جانوری با ده شاخ نشانه شاهان سلوکیه است که شامل آنتیوخوس ایپفانوس نیز می باشد که قرائت کنندگان را آزار می داد.
 گزارش تا آنجائی که مربوط به نسل نویسنده می شود، صحیح است. نویسنده، خواننده های پریشان خود را با رؤیای خود در مورد آمدن «شخصی شبیه پسرانسان» آرامش می بخشد. منظورش از این شخص احتمالاً اسرائیلیان وفادار زمان خودش بود. در اناجیل، عیسی از عنوان خودش استفاده کرده و به نظر می رسد که این موضوع درک مسیحیان اولیه از واژه «شخص» بود.

